

کوتاه از دیپلماسی

ابراز امیدواری ایران به آغاز مذاکرات بین‌الافغان

● **ایرنا:** وزارت امور خارجه ایران در بیانیه‌ای درباره شروع مذاکرات بین‌الافغان در دوحه تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران از شروع گفت‌وگوهای بین‌الافغان بین دولت افغانستان، گروه‌های سیاسی و طالبان استقبال می‌کند و امیدوار است این گفت‌وگوها بدون مداخله خارجی و در یک تفاهم جامع میان افغان‌ها به نتایج مطلوب خود برای استقرار صلح و ثبات دائمی در افغانستان و امنیت در منطقه منجر شود. به گزارش اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخنگویی وزارت امور خارجه، دستگاه دیپلماسی ایران با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران همواره تأکید کرده است که حل مشکلات در افغانستان راه‌حل نظامی نداشته و ادامه حضور نیروهای خارجی یکی از علل اصلی تداوم جنگ در افغانستان است، خاطرنشان کرد: تمامی مسائل و معضلات در افغانستان فقط از طریق گفت‌وگو و مذاکره قابل حل‌وفصل هستند و خروج مسئولانه نیروهای خارجی پیش‌نیاز غریبال اجتناب برای رسیدن به صلح و امنیت در آن کشور است. در این بیانیه آمده است: جمهوری اسلامی ایران امیدوار است دولت، گروه‌های سیاسی و طالبان بتوانند با حفظ دستاوردهای ارزشمند مردم افغانستان ازجمله قانون اساسی، ساختارهای مردم‌سالارانه، مشارکت سیاسی، فرایگر، حقوق و کرامت زنان و حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی به توافق پایدار دست یابند که متضمن صلح، آرامش، رفاه و سعادت‌مندی مردم افغانستان باشد و به نوبه خود باعث شود مهاجران افغان به کشور خود بازگشته و سهم خود را در بازسازی، رشد و ترقی افغانستان ایفا کنند. در پایان این بیانیه تصریح شده است: جمهوری اسلامی ایران با اعلام آمادگی مجدد برای آنکه مانند گذشته به پیشبرد روند صلح در افغانستان کمک کرده و امکانات و توانمندی‌های خود را به این منظور در اختیار برادران و خواهران افغان قرار دهد، هر گونه فرصت‌طلبی سیاسی و سودجویی کاسب‌کارانه، به‌ویژه استفاده دولت آمریکا برای بهره‌برداری‌های انتخاباتی از گفت‌وگوهای بین‌الافغان را به‌شدت محکوم کرده و آن را مخل این گفت‌وگوها می‌داند.

وزیر دفاع بریتانیا:

گفت‌وگو با ایران بهترین راه تضمین ثبات منطقه است

● **ایسنا:** وزیر دفاع بریتانیا با تأکید بر پایبندی کشورش به برجام گفت که گفت‌وگو با ایران بهترین راه برای تضمین امنیت منطقه است. بن والس در گفت‌وگو با شبکه قطری الجزیره تأکید کرد که کشورش در انتقال آمریکا در منطقه برای مقابله با ایران که قرار است اسرائیل و امارات نیز به آن بپیوندند، مشارکت خواهد کرد. او با بیان اینکه هدف انگلیس از این اقدام این است که پیام روشنی به ایران بفرستد مبنی بر اینکه رفتارش در منطقه غریبال قبول است و باید آن را تغییر دهد، مدعی شد که این مسئله به سود خود ایران، منطقه و تجارت جهانی از طریق تنگه هرمز خواهد بود. او همچنین ادعا کرد که ایران می‌خواهد از نفوذ خود در منطقه بهره‌برداری منفی کند و افزود: اما کشور انگلیس بر این باور است که گفت‌وگو با ایران بهترین راه برای تضمین ثبات منطقه و بازگرداندن ایران به راه درست و همچنین پیشرفت ایران است.

واکنش سفارت ایران به اظهارات یک نماینده مجلس جمهوری آذربایجان

● **ایسنا:** سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو به اظهارات خلاف واقع یک نماینده مجلس ملی جمهوری آذربایجان واکنش نشان داد. بخش مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو در بیانیه‌ای خطاب به مدیر یک پرتال خبری آذری که اظهارات کذب و خلاف واقع آقای عاصم ملازاده، نماینده مجلس ملی جمهوری آذربایجان در گفت‌وگو با نشریه صهیونیستی جرزالرم پست را منتشر کرد، واکنش نشان داد و نوشت اظهارات ایشان درباره نوید افکاری، یک متهم به قتل عمد که با شکایت شاکی خصوصی محکوم به قصاص شده، خلاف واقع، غیرسازنده و دخالت در امور داخلی ایران است و خواستار اصلاح آن شد.

● **د راین دو** سفری که اخیراً وزیر دفاع و وزیر خارجه هند به ایران داشتند، چه اتفاقی افتاد و چه چیزی بنا بود پیگیری شود و شد؟

این سفرها در شرایطی صورت گرفته که وزیر دفاع [هند] از مسکو برمی‌گشت و در نشست وزرای دفاع عضو شانگهای شرکت کرده بود و وزیر امور خارجه هند در راه مسکو بود که آمد به تهران تا به مسکو برود. بحث‌های زیادی در ارتباط با مسائل مختلف وجود دارد، چه دوجانبه چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌الملل؛ به‌گونه‌ای که منافع هند و ایران به‌نوعی با آنها گره خورده است. در آن بخشی که مناسبات ایران و هند مد نظر هست، در دو جهت هندی‌ها با ایران دارند تلاش می‌کنند که کارها را پیش ببرند. یکی موضوع امنیت در افغانستان و تحولاتی که دارد پیش می‌آید، چون هر دو کشور در این تحولات افغانستان به نوعی تحت تأثیر قرار می‌گیرند؛ به‌خصوص که اکنون صحبت این است که طالبان دارد به نوعی به قدرت بازمی‌گردد که این هم از نگاه ایران مسئله مهمی است. همچنین با آن روایتی که هند با افغانستان ایجاد کرده است و وجود این تصور که طالبان به هر حال با پاکستان روابط نزدیکی دارد، برای هند هم مسئله افغانستان بسیار مهم است؛ بنابراین بخشی از راینزی‌ها می‌تواند در ارتباط با تحولاتی باشد که در افغانستان و به لحاظ منطقه‌ای در حال شکل‌گیری است. بحث دوم منطقه‌ای که هم مورد توجه ایران است و هم هندوستان، تحولاتی است که در خاورمیانه پیش می‌آید؛ به‌خصوص بعد از توافقی که اسرائیل و امارات متحده عربی داشتند. بحث‌هایی وجود دارد که بقیه کشورهای عرب هم به نوعی در همین مسیر حرکت می‌کنند. برداشت من این است که این مسئله از موضوعات مهمی است، برای هند از این زاویه که هند دو نوع وابستگی به عرب دارد؛ یکی حدود ۹ میلیون کارگر ساده و متخصص و مهندس تکنیسین در حوزه جنوبی خلیج فارس در کشورهای عربی مشغول به کار هستند که این رقم بسیار بالایی است و درآمدی از این راه برای این کارگران ایجاد می‌شود که بخشی از آن را به هند به صورت ارز می‌فرستند. مسئله دوم که مهم‌تر است مسئله دریافت انرژی است و نفت خام که هند ۸۰ درصد سوخت خود را از خارج وارد می‌کند که بیشترین این دریافت را از تنگه هرمز و کشورهای عرب و ایران تا حالا دریافت می‌کرده است.

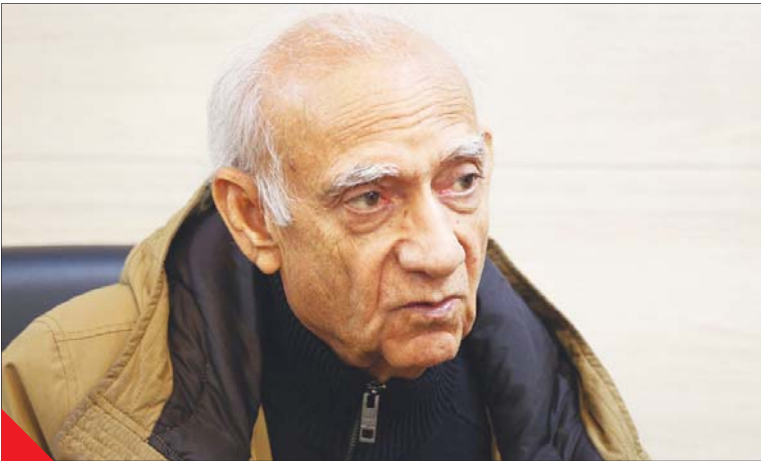
بنابراین از این زاویه هم نگاه کنیم، تحولات خاور مورد توجه هند است. اما این طرف ایران هم تحت تأثیر این تحولات قرار می‌گیرند، چون ایران با اسرائیل و آمریکا در تضاد قرار دارد و احساس می‌کند که نزدیکی اسرائیل به حوزه امنیتی ایران و دوبیی می‌تواند تأثیرات منفی روی امنیت ملی ایران هم داشته باشد. بنابراین هند هم در هند ایران نیاز دارند که با هم مذاکره و تبادل نظر کنند و ببینند چه راه‌حلهای معقولی می‌توان در این رابطه پیدا کرد. نکته دیگر مسئله چاپهار است و آن توافقاتی که سه‌جانبه بین هند و ایران و افغانستان ایجاد شده است که از این کانال هند می‌تواند به افغانستان و آسیای مرکزی دسترسی پیدا کند که مسئله مهمی است. پاکستان را از این مسیر دور خواهد زد؛ با توجه به رقابت‌هایی که دارند. از آن طرف کریدور شمال-جنوب هم مطرح است که توافقاتش بین ایران و هند و روسیه شکل گرفته که از این کانال ارتباطی بندرعباس و چاپهار و از طریق ریلی و خط آهن و جاده‌ای می‌توانند به بندر انزلی بروند و از آنجا از طریق دریا و رودخانه ولگا بروند و به سمت روسیه و کشورهای اروپای شرقی. به هر حال این هم مسیری است که ۳۰ درصد در هزینه‌ها نسبت به مسیرهای دیگر مثل تنگه باب‌المندب و کانال سوئز صرفه اقتصادی دارد. بنابراین از هر زاویه‌ای که نگاه کنیم، مناسبات ایران و هند در اولویت هندی‌ها است. به همین دلیل است که این سفرها صورت گرفته است.

● **سؤالی که پیش آمده و تصویری که شکل گرفته بود این بود که همان‌طور که اشاره کردید وزیر خارجه هند از مسکو به ایران آمد و وزیر خارجه هم در روسیه بوده است. آیا در این اقدام هند در تماس با ایران در این مقطع، روسیه نقشی ایفا کرده است؟** می‌دانید که مناسبات هند و روسیه در دوران جنگ سرد بسیار نزدیک بود، با توجه به نگاهی کلی که هند نسبت به روابط بین‌الملل خودش داشت. متنها بعد از فروپاشی شوروی، هندی‌ها نزدیک شدند به آمریکا و در زمان جورج بوش یک توافق کلی حاصل شد و مناسبات استراتژیک برقرار کردند. اما این تصور که هندی‌ها کاملاً از روسیه صرف‌نظر کردند و رفتند مناسبات‌شان را در سطح بین‌الملل با آمریکایی‌ها برقرار کردند به این معنا نیست که روسیه را نادیده گرفتند. به نظر من سیاست هند سیاسی است که در آن به شکل متوازن می‌خواهد با

دیپلماسی

سفرهای مقامات هند به ایران در گفت‌وگو با پیرمحمد ملاهی

هند به همکاری با ایران نیاز دارد



پیرمحمد ملاهی، دیپلمات ایرانی

روح‌اله نخعی؛ هفته گذشته در فاصله کوتاهی، دو مقام ارشد هندی به ایران سفر کردند. اول راج نات سینک، وزیر دفاع هند و بعد سارابرامانیام جایشانکار، وزیر خارجه این کشور. این عملا سفر مقامات کشوری بود که در آغاز تنش‌های تازه و تحریم‌های دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا علیه ایران، تعاملات خود با ایران را در عرصه‌های مختلف قطع کرده با کاهش داده بود و حالا نیز در شرایطی این سفرها انجام می‌شد که از طرفی در ماه آینده تکلیف لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران و عملاً موضع شورای امنیت در این زمینه مشخص می‌شود و از طرف دیگر، انتخابات پیش‌روی ایالات‌متحده ممکن است با تغییر رئیس‌جمهوری و در نتیجه احتمالاً تغییر رویکرد دولت همراه شود. این سفرها البته هر دو در مسیر سفرهای این دو مقام به مسکو بودند و هم‌زمان در بازوای که ایران با چین نیز روابط نزدیکی دارد. به این بهانه به سراغ پیرمحمد ملاهی، کارشناس سیاست بین‌الملل رفقیم تا پیرسیم هند به عنوان کشوری که با همه کشورهای متحد یا مقابل ایران در صحنه سیاست بین‌الملل، از آمریکا گرفته تا روسیه، به نحوی رابطه دارد، در این برهه زمانی با چه هدفی با ایران تماس گرفته‌است و همکاری‌های این دو کشور، از تبادل نفت و مسائل نظامی گرفته تا مسئله چاپهار، به کدام سمت ممکن است بروند. ملاهی در این گفت‌وگو می‌گوید هند بر مبنای دیکته آمریکا تصمیم نگرفته‌است و بر مبنای منافع و نیازهای خود پیش رفته‌است، او همچنین معتقد است که ایران نیز می‌توانست در موعده قطع خرید نفت هند از ایران، مسئله‌اش را از طریق تماس با شرکت‌های کوچک‌تر و ایالات هند حل کند. به نظر این کارشناس سیاست منطقه، هند به ایران نیاز دارد و ایران نیز می‌تواند از تعامل با هند استفاده‌های مهمی ببرد.

همه منابع قدرت جهانی و منطقه‌ای ارتباط خودش را حفظ کند. هرچند الان به آمریکا یک مقدار بیشتر نزدیک شده ولی آن را هم براساس منافع ملی خودش کرده‌است. این‌گونه نیست که الان به آمریکا نزدیک شده‌است، به این معنا باشد که از روسیه فاصله بگیرد. در اوضاع و احوالی که الان وجود دارد، واقعیت این است که روس‌ها یک نگرانی جدی دارند سر تحولات منطقه‌ای؛ به این معنا که مناسبات ایران و آمریکا اسرائیل دارد به نقطه حساسی نزدیک می‌شود. آنها این نگرانی را دارند که ممکن است حتی به یک نوع درگیری نظامی هم قضایا منجر شود. بین ایران و آمریکا و اسرائیل، به نظر می‌رسد که هند در اینجا می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. هم با روسیه ارتباط نزدیکی دارد هم با آمریکا، هم با اسرائیل ارتباط دارد و هم با ایران. در واقع با همه این کشورها که به نوعی بحث برخورد نظامی در آینده مسئله چاپهار است و آن توافقاتی بیاید. روس‌ها دارند در این‌باره کار می‌کنند. از یک زاویه دیگری هم سفر دفاع هند به ایران را بعد از اجلاس شانگهای در مسکو می‌توان نگاه کرد و آن اینکه روسیه و هند سطح روابط نظامی‌شان بسیار بالاست. هنوز روسیه اولین کشور صادرکننده امکانات نظامی به هند است و توافقاتی قیلاً صورت گرفته‌است که حتی تعمیر جنگنده‌های روسی مثل میک ۲۹ و ۳۰ در هند صورت می‌گیرد. می‌دانید ایران هم مقداری سلاح‌های روسی در اختیار دارد و اگر نیاز به تعمیر اینها هم باشد، هند نزدیک‌ترین متحد ایران می‌تواند باشد در این قضیه و با هم می‌توانند کار کنند. بخشی از سفر وزیر دفاع هند به ایران بی‌ارتباط با این مسئله نبود که هندی‌ها این آمادگی را دارند که تأسیسات نظامی مشترکی که با روسیه در هند ایجاد شده و حتی سطح بالای تکنولوژی هم هست، اگر نیازی باشد با ایرانی‌ها هم این همکاری را انجام دهند و همکاری را سه‌جانبه کنند و این مدنظرشان است. منافع هر سه کشور هم در این زمینه تعریف می‌شود. بنابراین هم از زاویه سیاسی نگاه کنیم، هم از زاویه اقتصادی و تجاری و هم از نظر نظامی و مسائل امنیتی توجه کنیم، به نظر می‌آید که زمینه‌هایی برای همکاری سه‌جانبه ایران، روسیه و هند وجود دارد.

● **اتفاق این سفر الان در حالی انجام شده است که طبق قطع‌نامه سازمان ملل که فعلاً به نظر می‌آید اجرایی خواهد شد و آمریکا نخواهد توانست جلوی آن را بگیرد، تحریم تسلیحاتی ایران ماه آینده برداشته می‌شود. این سفر در این وهله به نظر شما به بحث تحریم تسلیحاتی مربوط است و امکان تعاملات و تبادلات تسلیحاتی میان هند و ایران.**

بله، به نظر من این‌طور می‌آید.

● **نکته بعدی اینکه به هر حال هند جالش‌ها و مسائلی هم با چین دارد و از این طرف ایران به هر حال رابطه نزدیکی با چین دارد و چین به هر حال در سطح بین‌المللی متحد ایران هست. این چه چالشی ممکن است در نزدیک‌شدن هند به ایران ایجاد کند؟** یک واقعیت وجود دارد که باید به شکل دقیق‌تر به آن توجه کرد و آن سیاست هند است در ارتباط با کشورهای بیرومنی‌اش. هند مدت‌هاست استراتژی‌ای برای خودش طراحی کرده‌است در سیاست منطقه‌ای‌اش که در واقع با همه کشورهای منطقه که در پیرامون هند قرار دارند، مناسبات گسترده‌ای را سازمان‌دهی کند. چین و ایران دو کشور مهم هستند در چارچوب نگاه همین بیرومنی هندی‌ها. این درست است که هند با چین رقابت دارد. در این تردیدی وجود ندارد. چین با پاکستان همکاری می‌کند. هند با پاکستان رقابت دارد در مسائل منطقه و اختلاف دارد، اختلاف ارضی و اختلافات سیاسی مهم در مسئله کشمیر و سایر مسائل. اما هند با چین در بخش تجاری و اقتصادی مناسبات بسیار نزدیکی دارد. این‌طور نیست که صدرمدع مقابل هم باشند. هرچند در منطقه لداخ اختلافات مزری هم دارند. حدود ۹۰ هزار کیلومتر مربع زمین هست در آن منطقه که هندی‌ها معتقدند مال هند است اما چینی‌ها می‌گویند به لحاظ تاریخی به چین تعلق دارد. از آن موضوع صرف‌نظر کنیم، واقعیت این است که چپس و هند خیلی در بحث منطقه‌ای مشکل ندارند. متنها یک مسئله افتاق افتاده‌است، دو نگاه به وجود است دربارۀ آقیانوس هند. یک نگاه آمریکا که تحت عنوان ایندیپاسیفیک فرموله شده‌است و نگاهی که چین دارد و تحت عنوان آسیاپاسیفیک فرموله شده‌است. این دو نگاه در واقع دارند بازگرزی می‌کنند در سطح منطقه و هر کدام به دنبال کشورهایی هستند که بتوانند با خودشان هماهنگ کنند. در این نگاه خود دارند ارتباطی با دوزردند هند ایجاد می‌کند. یکی آن رشته مروراید است که از جنوب هند می‌آید از طریق میانمار و بنگلادش و سریلانکا، هند را دور می‌زند و می‌آید تا بندر گوادر و یکی «یک جاده یک کمربند» است که کاشغر را وصل می‌کند به گوادر از طریق بزرگراه و خط آهن. به‌اضافه اینکه قرار است که بعد از اینکه این پروژه تکمیل شد در واقع حدود ۶۰ کشور آسیایی، آفریقایی و اروپایی در این پروژه قرار بگیرند. در همین رابطه، چین دارد در دنیا برای خودش ذهنیت مثتی ایجاد می‌کند. چون چینی‌ها لاقالت تا حالا به شکل یک قدرت استعماری عمل نکرده‌اند. درست است که دارند قدرت می‌گیرند اما همچنان روی سابقه جهان‌سومی خود دارند قدرت می‌کنند و این مسئله که ما نمی‌خواهیم مثل آمریکا و اروپا دست به استعمار دنیا بزنیم؛ بلکه می‌خواهیم براساس احترام متقابل و منافع متقابل با هم کار سیاسی، اقتصادی و تجاری کنیم. این ذهنیت برای آمریکایی‌ها مشکل ایجاد کرده‌است. رقابت بین چین و آمریکا بر اثر اصل قدرت است؛ یعنی اینکه در قرن بیست‌ویکم قدرت در دست آمریکا باقی می‌ماند به‌عنوان قدرت هژمون در دنیا با این چین است که دارد از نردبان قدرت بالا می‌رود و آمریکا را در ۴۰، ۳۰ سال آینده عقب خواهد زد. همه نشانه‌ها حکایت از این دارد که در ۴۰، ۳۰ سال آینده قدرت هژمون اول در دنیا چین خواهد بود و نگاه چین است که با توجه به اینکه سابقه استعماری ندارد، دنیا را و به‌ویژه جهان موم را بیشتر به طرف خودش جذب می‌کند و در بازگریزی موضع

مسلط را دارد در پیش می‌گیرد. اگر پروژه یک جاده، یک کمربند عملیاتی شود، واقعیت این است که بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی و حتی اروپای شرقی در چارچوب منافع خودشان در کمپ چین قرار خواهند گرفت، نه آمریکا. از همین زاویه می‌توانید رقابت‌های آمریکا و چین را ببینید و رقابت‌های هند و چین را هم ببینید و اینکه آمریکا و هند نزدیک شدند و پاکستان و چین با هم نزدیک شدند، این همان یازگرزی است که گفتم در مسئله یک جاده یک کمربند است و آن نگاه آسیاپاسیفیک چین و ایندیپاسیفیک آمریکا است.

● **مسئله دیگر این است که هند از کشورهای بود که در ماجرای تحریم‌های نفتی ایران توسط آمریکا سریع همراهی کرد و سریع از ایران فاصله گرفت و تصویری هست که شاید این حرکتی که هند دارد می‌کند، در نتیجه این تصور است که قرار است تغییری در آمریکا رخ دهد و هند می‌کوشد از راهی که رفته برگردد. آیا چنین مسیری در جریان است که هند وقتی اوضاع مشکل شد از ایران فاصله گرفت و حالا دارد برمی‌گردد؟ با توجه بهه حرفی که برخی دیپلمات‌های ایرانی زدند که فراموش نمی‌کنیم که در شرایط فشار متحدان ما چطور رفتار کردند، آیا در این زمینه بناسبت هزینه‌ای برای هند باشد؟ به طور کلی این رفت و برگشت هند چطور در روابط ایران تعریف می‌شود.**

ما باید آن مسائل را از این زاویه نگاه کنیم که هند منافع‌محور است. در این نگاه منافع‌محوری هند می‌شود گفت جاهایی با آمریکایی‌ها واگرایی دارد و جاهایی هم‌گرایی دارد. این‌طور نیست که تصور شود هند هرچه آمریکا دیکته کند همان کار را انجام خواهد داد. واقعیت این است که هند جاهایی واگرایی و جاهایی هم‌گرایی دارد. واقعیت این است که براساس منافع‌محوری خودش حرکت می‌کند و در مقطعی منافع‌اش را در این تشخیص داده‌که با آمریکایی‌ها همکاری کند؛ مثلاً در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران و قطع‌نامه‌هایی که صادر شد و در دو، سه تا قطع‌نامه که در سال‌های گذشته در آژانس تصویب شد، هند هم علیه ایران به نفع آمریکا رأی داد؛ اما همان زمان اگر نگاه تحلیلی درستی داشته باشید می‌بینید که هند براساس منافع ملی خودش حرکت کرد نه اینکه دستور را فشار آمریکا باشد. واقعیتش این است که این تصور باشد که یک تحریم اسلامی مثل ایران رویه به طرف سلاح هسته‌ای و سلاح در اختیار داشته باشد، باید این منافع ملی هند همخوانی ندارد. این واقعیتی است که باید در نظر بگیریم، جاهایی وجود دارد که هندی‌ها واقعا با آمریکایی‌ها هماهنگی کامل کردند و جاهایی هم واگرایی نشان داده‌اند. به نظر مسئله نفت را از دو زاویه باید ببینیم؛ یکی اینکه آمریکایی‌ها به‌هرحال فشار خودشان را بر تمام کشورهای دنیا آوردند از جمله هند؛ اما در واقع در هند دو شرکت اصلی هندی بودند که با آمریکایی‌ها کار می‌کردند. اینها بودند که آمدند و رابطه را قطع کردند. این شرکت‌ها هم خصوصی‌اند، دولتی نیستند. دولت هند نمی‌تواند به آنها دستور بدهد که این کار را نکنید یا نکنید. مشکلی که وجود داشت این بود که ما ایرانی‌ها یک تصور یکپارچه از قضیه داشتیم؛ درحالی‌که اگر همان زمان یک ارزیابی واقع‌بینانه می‌شد، می‌توانستیم بفهمیم که چرا شرکت‌های بزرگ هندی که با آمریکا کار می‌کنند براساس منافع خودشان کار کردند، سود بیشتری در همکاری با آمریکا دارند و سود کمتری با ایران؛ بنابراین قطع کردند و از جاهای دیگر می‌توانستند نفت را وارد کنند. در همان زمان اگر شما یادتان باشد، دو پالایشگاه نفتی بزرگ هند را یک کاراز ارتباطی با دوزردند هند ایجاد می‌کند. یکی آن یک کشورها ارتباط برقرار کنند. می‌دانیم که هندوستان یک کشور فدرال است. مثلاً یک منطقه مثل تامیل نادره بالای ۷۰ میلیون نفر جمعیت دارد؛ یعنی اندازه جمعیت ایران. درست است که تابع دولت مرکزی است ولی در تجارت با خیلی از کشورهای دنیا مستقل عمل می‌کند. ما رفقیم این امکانات را شناسایی کنیم و ببینیم چه چیزی در هند هست که می‌شود از آنها در شرایط تحریم بهره‌برداری کنیم. آنها در «فرزاد بی» هم قرار بود در گاز و نفت ایران سرمایه‌گذاری کنند. آنها با فشار آمریکا کنار کشیدند و نمی‌شود این را انکار کرد؛ اما ما باید این تفاوت را بین سیاست‌های دولت مرکزی هند در شرکت‌های خصوصی که منافع خودشان را پیگیری می‌کنند قائل می‌شدیم و راه‌حل پیدا می‌کردیم. الان به نظر مندی‌ها در دوزردند تلاش می‌کنند با پاکستان به توافق برسند. هند از آن عقب نشست ولی خارج نشد. چرا خارج نشد، چون امید دارد که شرایط تغییر کند و دومرتبه باید با ایران و پاکستان صحبت کنند و راهی پیدا کنند و شراکت را ادامه بدهد. عین همین وضعیت در بقیه قضایا هم هست. الان هند به‌شدت در بلندمدت نیاز به نفت و گاز ایران دارد.

تنبیه و یاداش شبکه نمایش خانگی؛ وقتی شبکه نمایش خانگی را افتاد، بخشی از مخاطبانی که از صداوسیما گریزان شده و از دست رفته بودند و به تلویزیون‌های بروزمرز ماهواره‌ای جذب شده بودند، به این شبکه داخلی کشانده شدند. چراکه این شبکه با تنوع‌بخشی نسبی به موضوع، داستان و ژانرها مخاطب ایرانی را جذب کرده بود که نمود بارز آن خانه‌نشینی اجباری مردم در تعطیلات فروردین به علت شیوع ویروس کرونا بود. طبیعی است که محصولات این شبکه با وجود گوناگونی اشاره‌شده به دلیل طی همان روند تولید فیلم‌های سینمایی، از چارچوب‌ها و ضوابط رسمی کشور خارج نشده و نمی‌شوند؛ فقط با قدری تفاوت در موضوعات و ژانرها مخاطب ایرانی را جذب کرده و به جای رها آوردن او به بیرون مرزا (که پیامدهای امنیتی خاص خود را دارد) به رسانه داخلی کشانده است. بنابراین حق این نیست که چنین طرح‌هایی به جای تشویق، تنبیه و محدود شود.

نفع کدامیک؛ نظام و کشور یا صداوسیما؟؛ برای جلوگیری از بحران مخاطب و مخاطب‌گریزی صداوسیما و کوچ مخاطبان به رسانه‌های آن سوی مرزها، باید به زبان نظام و کشور عمل نشود. برای اینکه یک سازمان نفعی ببرد – که البته نمی‌برد – و رقیبی را از میدان به در کند و خود یک‌ه‌تاز عرصه نمایش تصویری باشد؛ به زبان و ضرر نظام و کشور عمل نشود. کشور ما به‌خصوص در این شرایط نیاز دارد که پیام‌های مورد نیاز خود را از رسانه‌های داخلی تأمین کند. نه تنها کمبسیون فرهنگی مجلس بلکه از آن بیشتر، صداوسیما طالب در اختیارگرفتن رسانه شبکه نمایش خانگی است چراکه می‌خواهد با آن میدان بدربردن رقیب، خود یک‌ه‌تاز یک غافل از اینکه هیچ تضمینی نیست که مخاطبی که رسانه شبکه خانگی را از دست می‌دهد، مخاطب و مشتری پیام صداوسیما شود. نه تنها باید اختیار شبکه نمایش خانگی را به صداوسیما اعطا نکرد بلکه مجلس که با شعار تحول شکل گرفته در فکر خود صداوسیما باشد و برای عدم محبوبیت آن در قشر متوسط اگر همین شبکه نمایش خانگی نبود، معلوم نبود که در هفته‌های حساس قرنطینه مردم در هنگامه شیوع کرونا در کشور، مردم خانه‌نشین چگونه باید اوقات خود را می‌گذراندند. صداوسیما دست‌کم در این بخش نرم‌افز قبولی نگرفت که دامنه‌ان آن هنوز ادامه دارد در نمونه‌اش تکرار در تکرار سربازان‌های محرمی امسال است.

آزوده‌را از زرمودن خطاست؛ صداوسیما در جلب مخاطب متنوع و انبوه جامعه ایرانی به‌خصوص

ادامه از صفحه اول

فقدان عناصر ارتباطی در یک طرح ارتباطی مجلس

صداوسیما، مدیوم خاص؛ صداوسیما هم به لحاظ جایگاه قانون اساسی آن و به‌خصوص سلیقه‌ها و کارکردهای بعضا عجیبی که دارد و از همه بالاتر توقعات و اعمال نظر نفی المجلس افراد و جاهای قدرتمند و ذی‌نفوذ، عملاً به مدیومی خاص بدل شده است. از لحاظی از این رسانه توقع انتقال رسمی پیام جمهوری اسلامی می‌رود و همین موجب قالب معین و مشخص رسمی در خروجی بخش‌های خبری و تولیدی آن شده بنابراین رسانه‌ای که توقع زبان رسمی از آن می‌رود، نمی‌تواند هر محصول تصویری را پیش کند. برای مثال، هم‌اکنون از تلویزیون سربالی محصول خود صداوسیما پخش می‌شود که چهار زانگر زن آن به نظر مسئولان پخش صداوسیما چون آرایش غلیظ دارد، کم‌رنگ و سیاه و سفید می‌شود. چنین پدیده‌ای را در هیچ تلویزیون جهانی‌ای شاهد نیستیم. چنین تلویزیونی آیا می‌تواند پاسخ‌گوی تنوع فیلم‌های شبکه خانگی باشد یا اینکه می‌خواهد آنها را هم مثل خود کند که می‌شود همان قالبی که به آن اشاره شد.

سرگرمی، نیاز انکارناپذیر مخاطب؛ یکی از ویژگی‌های انکارناپذیر رسانه و مشخصاً تلویزیون (و شبکه‌های نمایش خانگی که ابرار مطلوب انتشار آن، گیرنده تلویزیون است) سرگرم‌کنندگی و امکان وقت‌گذرانی آن است. سرگرمی مانند تفریح از نیازهای بخصوص امروز انسان است و یکی از وظایف حکومت‌ها تأمین و تدارک آن است. هیچ پارادایم ارتباطی نتوانسته این جنبه رسانه‌ها را انکار کند؛ بنابراین «سرگرمی» یکی از کارکردهای غیرقابل تردید رسانه‌ها به‌خصوص نمایش خانگی، تصویری است. رسانه شبکه نمایش خانگی با رعایت ضوابط و مقررات کلی تولید فیلم در کشور و ارزش‌های مورد قبول جامعه دست‌کم در بخش سرگرمی انصاف خوب عمل کرده که نمونه آن در ایام قرنطینه کروناست.

تنبیه و یاداش شبکه نمایش خانگی؛ وقتی شبکه نمایش خانگی را افتاد، بخشی از مخاطبانی که از صداوسیما گریزان شده و از دست رفته بودند و به تلویزیون‌های بروزمرز ماهواره‌ای جذب شده بودند، به این شبکه داخلی کشانده شدند. چراکه این شبکه با تنوع‌بخشی نسبی به موضوع، داستان و ژانرها مخاطب ایرانی را جذب کرده بود که نمود بارز آن خانه‌نشینی اجباری مردم در تعطیلات فروردین به علت شیوع ویروس کرونا بود. طبیعی است که محصولات این شبکه با وجود گوناگونی اشاره‌شده به دلیل طی همان روند تولید فیلم‌های سینمایی، از چارچوب‌ها و ضوابط رسمی کشور خارج نشده و نمی‌شوند؛ فقط با قدری تفاوت در موضوعات و ژانرها مخاطب ایرانی را جذب کرده و به جای رها آوردن او به بیرون مرزا (که پیامدهای امنیتی خاص خود را دارد) به رسانه داخلی کشانده است. بنابراین حق این نیست که چنین طرح‌هایی به جای تشویق، تنبیه و محدود شود.

نفع کدامیک؛ نظام و کشور یا صداوسیما؟؛ برای جلوگیری از بحران مخاطب و مخاطب‌گریزی صداوسیما و کوچ مخاطبان به رسانه‌های آن سوی مرزها، باید به زبان نظام و کشور عمل نشود. برای اینکه یک سازمان نفعی ببرد – که البته نمی‌برد – و رقیبی را از میدان به در کند و خود یک‌ه‌تاز عرصه نمایش تصویری باشد؛ به زبان و ضرر نظام و کشور عمل نشود. کشور ما به‌خصوص در این شرایط نیاز دارد که پیام‌های مورد نیاز خود را از رسانه‌های داخلی تأمین کند. نه تنها کمبسیون فرهنگی مجلس بلکه از آن بیشتر، صداوسیما طالب در اختیارگرفتن رسانه شبکه نمایش خانگی است چراکه می‌خواهد با آن میدان بدربردن رقیب، خود یک‌ه‌تاز یک غافل از اینکه هیچ تضمینی نیست که مخاطبی که رسانه شبکه خانگی را از دست می‌دهد، مخاطب و مشتری پیام صداوسیما شود. نه تنها باید اختیار شبکه نمایش خانگی را به صداوسیما اعطا نکرد بلکه مجلس که با شعار تحول شکل گرفته در فکر خود صداوسیما باشد و برای عدم محبوبیت آن در قشر متوسط اگر همین شبکه نمایش خانگی نبود، معلوم نبود که در هفته‌های حساس قرنطینه مردم در هنگامه شیوع کرونا در کشور، مردم خانه‌نشین چگونه باید اوقات خود را می‌گذراندند. صداوسیما دست‌کم در این بخش نرم‌افز قبولی نگرفت که دامنه‌ان آن هنوز ادامه دارد در نمونه‌اش تکرار در تکرار سربازان‌های محرمی امسال است.

آزوده‌را از زرمودن خطاست؛ صداوسیما در جلب مخاطب متنوع و انبوه جامعه ایرانی به‌خصوص آن‌گاه سازمانی که چنین وضعیت کارایی و بهره‌وری (به هر دلیلی) دارد، قرار است مأموریت سنگین دیگری بر دوش آن بار کند. صداوسیما خود باید پیشگام به‌رسمیت‌شناسی و تقویت شبکه خانگی و اضافه‌نکردن بر بار مسئولیت خود باشد نه اینکه برعکس عمل کند. صداوسیما نه تنها مانع این مانع‌تراشی بر سر راه فعالیت شبکه نمایش خانگی نشود بلکه مشوق آن باشد! نمایندگان مجلس هیچ می‌دانند که بخشی از اقبال عمومی به شبکه‌های اجتماعی – که نمایندگان در ط‌رحی دیگر درصدد اقداماتی درموردشان هستند – در جامعه ما ناشی از عملکرد صداوسیماست. حال به جای پاسخ‌گوکردن آن در قبال این عملکرد و اعمال نظارت بر آن، یاداشی نصیبش می‌کنیم. صداوسیما به جای جلب مخاطب و برطرف‌کردن بحران خودعاملی مخاطب‌گریزی – که با تغییر رویه و نگاه قابل برطرف‌شدن است – درصدد حذف رقیب است اما به این اصل آگاه نیست که حذف رقیب، حذف نیاز مخاطب را در پی نخواهد داشت،

^[1] متفحصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPCCG.IR- WWW.TENDER.BAZRASI.IR مراجعه و یا با شماره تلفن:۰۲۱-۳۱۳۱۳۹۴۰۷۷- تماس حاصل فرمایند

^[2] WWW.IETS.MPORG.IR مراجعه و یا با شماره تلفن:۰۲۱-۳۱۳۱۳۹۴۰۷۷-